

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

١٠٥٥٩

۸۷/۱/۲۷۲۲
۸۷/۱/۹



دانشگاه تهران
دانشکده ادبیات فارسی و زبانهای خارجی
گروه فرهنگ و زبانهای باستانی

پایان نامه

برای دریافت درجه کارشناسی ارشد در رشته فرهنگ و زبانهای باستانی

عنوان

شخصیت‌های اساطیری و حماسی پیشدادیان در اوستا و حماسه ملی ایران

استاد راهنما

دکتر مهری باقری

استاد مشاور

دکتر بهمن سرکاراتی

پژوهشگر

فریبا حقیقی‌پور

شماره ۵۶

شهریور ۱۳۸۶

۱۰۵۳۳۶

کتابخانه مرکزی
سازمان اسناد و کتابخانه ملی
جمهوری اسلامی ایران

۲۳۸۷ / ۲ / ۳۰

سپاسگزاری

سپاس پروردگار یگانه را که فرصت آموختنم بخشید.

با سپاس از استاد فرزانه سرکار خانم دکتر باقری که با مهربانی های بی‌پایانشان مرا در به انجام رسانیدن این رساله یاری کردند.

و با سپاس از استاد دانشمند جناب آقای دکتر سرکاراتی که اندیشه‌هایشان گشاینده راهم بود.

همچنین سپاس و قدردانی خود را از استاد بزرگوارم جناب آقای دکتر چنگیز مولایی ابراز می‌دارم.

از خانمها آرزو ییمی نژاد و لیلا کیا شمشکی نیز که به تمامی مرا یار و همراه بودند سپاسگزارم.

نام خانوادگی دانشجو: حقیقی پور	نام: فریبا
عنوان پایان نامه: شخصیت‌های اساطیری و حماسی پیشدادیان در اوستا و حماسه ملی ایران	
استاد راهنما: خانم دکتر مهری باقری استاد مشاور: آقای دکتر بهمن سرکاراتی	
مقطع تحصیلی: کارشناسی ارشد رشته: فرهنگ و زبان‌های باستانی گرایش: - دانشگاه: تبریز	
دانشکده: ادبیات فارسی و زبان‌های خارجی تاریخ فارغ التحصیلی: شهریور ۱۳۸۶ تعداد صفحه: ۲۲۶	
کلید واژه‌ها: پیشداد، پیشدادیان، اوستا، شاهنامه، متون پهلوی، متون اسلامی، اسطوره، حماسه، گوسان.	
<p>چکیده: پیشدادیان نام سلسله‌ای اساطیری و نیمه حماسی است که مطابق تاریخ سنتی ایران به دسته‌ای از نخستین شاهان ایران زمین اطلاق می‌شود. پیشدادیان از کیومرث که نخستین بشر اوستایی و نخستین شاه داستانی است آغاز می‌شود و به کی قباد که اولین "کی" از شاهان کیانی است، ختم می‌گردد.</p> <p>کلمه پهلوی پیشداد به گواهی متون باستانی از کلمه اوستایی "پرذات" به معنی "کسی که نخست آفریده شده" می‌آید. بعدها که فعل "دادن" معنی "آفریدن" را از دست داد، نام پیشداد معنی "کسی که نخستین بار قانون گذارد" به خود گرفت. در اوستا "پرذات" یا "پیشداد" صفت همیشگی هوشنگ است.</p> <p>مهمترین قسمت اوستا که منبع الهام در داستان‌های اساطیری و حماسی است یشت‌ها می‌باشد که اصل بسیاری از روایات را در آن می‌توان بازجست. اما در یشت‌های اوستا سلسله‌ای به نام پیشدادیان نمی‌شناسیم.</p> <p>پادشاهان پیشدادی در شاهکار حماسی ایران زمین، شاهنامه فردوسی که بر مبنای خدای نامه‌های دوره ساسانی به نظم درآمده و مورد مطالعه این رساله است از این قرارند:</p> <p>۱- کیومرث ۲- هوشنگ ۳- تهمورث ۴- جمشید ۵- ضحاک ۶- فریدون ۷- منوچهر ۸- نوذر ۹- زوتهماسب ۱۰- گرشاسب</p> <p>ناقلان این روایات در دوره میانه بیشتر گوسان‌های پارسی بودند که در حفظ و انتقال افسانه‌ها و اساطیر دوران باستان و تکوین داستان‌های پهلوانی - حماسی کهن ایران نقش بسزایی داشتند.</p> <p>به این ترتیب در اوستا همراه با سرودهای دینی و احکام شرایع آیینی با اساطیر و روایات اساطیری سروکار داریم و در دوران اشکانی بازتاب افسانه‌ها و روایات اساطیری را در روایات حماسی می‌بینیم که از طریق سنت شفاهی به دوران ساسانی رسیده و ساسانیان آن روایات را در خدای نامه‌ها نگاهاشتند تا به فردوسی رسید.</p>	

فهرست مطالب

صفحه	عنوان
------	-------

پیشگفتار..... ۱

بخش اول

۱-۱- بررسی منابع (پایه‌های نظری و پیشینه پژوهش) پشادادیان ۳

۱-۲- اسطوره و حماسه و نقش راویان در تاریخ شفاهی ایران ۱۰

بخش دوم

کیومرث ۱۷

هوشنگ ۳۲

تهمورث ۶۴

جمشید ۷۵

ضحاک ۱۱۲

فریدون ۱۳۱

منوچهر ۱۵۵

نودر ۱۷۴

زوتهماسب ۱۸۲

گرشاسب ۱۹۱

عنوان

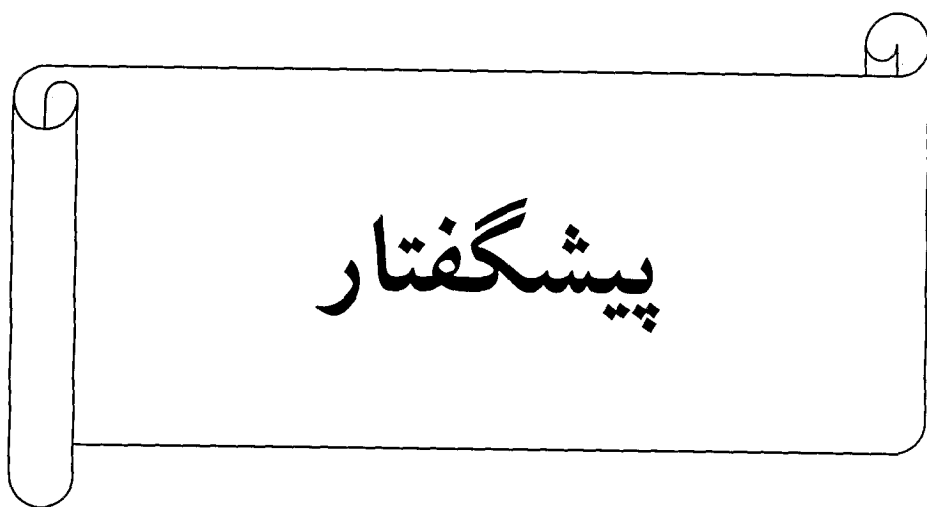
صفحه

بخش سوم

نتیجه گیری ۲۱۶

بخش چهارم

فهرست منابع ۲۱۸



پشگفتار

پیشگفتار

در تاریخ شفاهی ایران از دو سلسله داستانی یاد شده است که نخستین آنها به پیشدادیان معروف است. روایات برخی از شهرياران پیشدادی به دلیل روشنگری در جهات و جنبه‌های مختلف جهانبینی ایرانیان باستان در بررسی‌های مربوط به تاریخ و فرهنگ ایران اهمیت ویژه‌ای دارد.

از این رو بررسی گزارش‌های اسطوره‌ای مربوط به اعمال و رفتارهای رادمردان و شهرياران پیشدادی در روایات اوستایی و متون فارسی میانه (پهلوی) و مقایسه آنها با روایات حماسی شاهنامه و دیگر مندرجات کتابهای تاریخی فارسی و عربی موضوع این رساله خواهد بود.

از آنجا که نگارندگان اسطوره‌ها و داستانهای حماسی ایران مانند فردوسی توسی علاوه بر روایات مکتوب خداینامه، از روایات شفاهی نیز بهره‌جسته‌اند، اهمیت راویان اسطوره و حماسه که نقش به‌سزایی در نگهداری سنت ملی ایران زمین داشته‌اند، بیش از پیش آشکار می‌گردد.

در بررسی اساطیر و حماسه ایرانیان که ملتی با پیشینه باستانی‌اند، می‌توان روزگار وصل برخی ملل کهن را باز جست. روزگاری که از آن با نام قوم هند و اروپایی و هند و ایرانی یاد می‌شود.

بررسی شخصیت‌های قهرمانان داستانهای حماسی که نقش آفرین رخدادهای شکوهمند پهلوانی و دلاوری هستند و از آب و خاک، فرهنگ و اخلاق مرز و بوم خود پاسداری می‌کنند، ما را با جهان بینی و ویژگی‌های فرهنگی و تاریخی ملتی که‌نسال که دارای پیشینه‌ی دیرپایی در فرهنگ و تمدن بشری است، رهنمون می‌سازد.

شیوه تحقیق در این رساله بدین گونه است که مطالب مذکور در کتاب اوستا و نوشته‌های فارسی میانه حتی المقدور با مراجعه به اصل این منابع و مقایسه ترجمه‌هایی که از آنها به عمل آمده

نقل گردیده است. در نقل مطالب حماسه ملی ایران یعنی شاهنامه فردوسی و کتب تاریخی فارسی و عربی که در دوره‌های نخستین اسلام تألیف شده اند و درباره پیشدادیان مطالبی در بر دارند، مستقیماً از منابع اصلی یا از ترجمه‌های مشهور با ذکر منابع استفاده شده است.

این پایان نامه شامل چهار بخش می باشد. پس از پیشگفتار در بخش اول، ابتدا به بررسی منابع اوستایی و حماسه ملی و تحقیق در بنیان‌های روایات سستی و اساطیری ایرانیان پرداخته شده، سپس به مبحث اسطوره و حماسه و نقش راویان در تاریخ شفاهی ایرانیان اشاره شده است. بخش دوم که قسمت اصلی این رساله را تشکیل می دهد حاوی روایات مربوط به پیشدادیان است که مشتمل بر ده قسمت می باشد. هر یک از شخصیت‌های ده گانه به طور جداگانه و با توجه به مطالب اوستا، متون پهلوی، شاهنامه و دیگر متن‌های فارسی و تازی بررسی شده است و برای جلوگیری از پراکندگی مطالب، توضیحات و یادداشت‌های مربوط به هر قسمت با ذکر شماره در پایان همان مبحث آمده است.

شماره ذیل ابیات شاهنامه به ترتیب از راست عبارتند از شماره جلد، صفحه و بیت بر اساس شاهنامه چاپ مسکو.

دو بخش پایانی این رساله را نتیجه‌گیری، و فهرست منابع تشکیل می دهد.

بخش اول

۱-۱- بررسی منابع (پایه های نظری و پیشینه پژوهش) پیشدادیان

۱-۲- اسطوره و حماسه و نقش راویان در تاریخ شفاهی ایران

۱-۱- بررسی منابع (پایه های نظری و پیشینه پژوهش) پیشدادیان

نامه مینوی اوستا و شاهنامه فردوسی با درون مایه های اساطیری آبخور پژوهش های ژرف در حوزه دانش اسطوره شناسی ایران می باشند. پیوندهای باستانی این دو، گاه چنان است که پس از وداها در مطالعات تطبیقی اوستا، شاهنامه بدون تردید از جایگاه ویژه ای برخوردار است.

خاستگاه اساطیر و حماسه ایران را می توان در دورانی پیش از ظهور زردشت (۶۰۰ ق م) جستجو کرد؛ دوره ای به قدمت حدود دو هزار سال قبل از میلاد مسیح که شاخه ای از نژاد هند و اروپایی به نام هند و ایرانی از آسیای مرکزی به سوی سرزمین های شرقی ایران کنونی مهاجرت کردند.

جنگ های دلاوران آریایی نژاد سبب پیدایش اسطوره ها و افسانه هایی می گردد که مضامین آنها با آثار حماسی هند باستان و ادبیات سانسکریت از جمله کتاب مقدس «ودا» شباهت های شگفتی دارد. موضوعاتی مانند آفرینش گیتی، نبرد نیروهای اهورایی و اهریمنی، پیدایش نخستین انسان ها و نخستین شهریاران (پیشدادیان).

مجموعه خاطرات قوم آریایی در طول قرون و اعصار تکامل می یابد و پس از ورود به آثار ادبی اوستایی و پهلوی و گذشت از فراز و نشیب های طولانی تاریخ، زمینه ساز پیدایش آثار حماسی ملی ایران در دوران بعد از اسلام به زبان فارسی دری می شود.

بدین ترتیب بسیاری از داستان های اساطیری و حماسی ایرانیان گویای معتقدات ساخته و پرداخته شده زمان های بسیار قدیم است.^۱ زیرا تکامل روایات ادبی اوستا، مستلزم قدمت فوق العاده و سپری شدن زمانی دراز از پیدایش روایات نخستین است.

دو خاندان اصلی حماسه‌های ما یعنی پیشدادیان و کیانیان نمونه‌های درخشان قدمت و تحول اساطیر هندو ایرانی به حماسه‌های ایرانی به شمار می‌آیند. بنابر وداها شاهان پیشدادی و کیانی در دوره تمدن هند و ایرانی از جمله خدایان بودند. جمشید شاه ایرانی به نام یمه در وداها از جمله خدایان است.^۲

افسانه ایرانی «ضحاک دریند» حلقه‌ای است از زنجیر بلندی که تعداد زیادی از افسانه‌های هندو اروپایی را به هم می‌پیوندد. مطابق افسانه، پهلوان نامداری که در آخر زمان اژدها را می‌کشد کسی نیست جز گرشاسب که گویای یکی از اصول معتقدات دیرین ایرانی است درباره رستاخیز و پایان کار جهان. اصل مذکور که احتمالاً ریشه هند و اروپایی دارد عبارت است از اعتقاد به نامیرایی پهلوان ناجی و همال او تا روز قیامت.^۳

شایان توجه است که آنچه در اساطیر ایرانی یافت می‌شود کمابیش در حماسه نیز موجود است و بی دلیل نیست که بسیاری در پی یافتن سابقه تاریخی داستان‌های اساطیری و حماسی اند. و از آنجا که قوم ایرانی در دوران پیش از اسلام تقریباً دارای هیچ تاریخ مکتوبی که قابل اعتماد و باور کردنی باشد نیست، دوران آفرینش حماسی آن بیش از اغلب کشورهای دیگر به درازا انجامیده است.

اوستا به عنوان نخستین و کهن‌ترین کتابی که داستان‌های ملی و حماسی ما در آن تدوین شده کتابی هماهنگ و یک دست نبوده که در تاریخ مشخصی توسط مولفی معین نوشته شده باشد؛ بلکه مجموعه‌ای است از نوشته‌های پراکنده که بخش‌های متفاوت آن در زمان‌های متفاوت توسط مولفین متفاوت انشا شده است. هرگاه تاریخ سنتی ودلادت زردشت را بپذیریم، قدیم‌ترین بخش اوستا یعنی سرودهای گاهانی که آنها را از خود زردشت می‌پندارند متعلق به سده هفتم پیش از میلاد و جدیدترین بخش‌های آن احتمالاً مربوط به سده سوم و یا دوم قبل از میلاد خواهد بود.^۴

از کتاب عظیم اوستا پس از حمله اسکندر فقط ۲۱ نسک در اواخر اشکانیان و اوایل ساسانیان گرد آمده که آن نیز پس از حمله اعراب پراکنده و بی ترتیب شد. آنچه باقی مانده خلاصه ای است در کتاب دینکرد و بعضی قطعات از چند نسک.

«چیترا دات نسک» که فقط خلاصه فهرست مانندی در دینکرد از آن باقی مانده است و از تاریخ داستانی ایران سخن می گوید از مهمترین قطعات برای دریافتن ماخذ داستان‌های ملی به شمار می‌رود.

در فقره ۹ هوم یشت می توان اتحاد و یگانگی دو قوم هندی و ایرانی را در روزگار گذشته دریافت. نثار کردن عصاره گیاه مقدس «هوم» در اوستا و «سوم» در ودا، اساس ستایش و نیایش در اوستا و ودا است. نثار کنندگان هوم در اوستا و یونگهان پدر جم، آبتین پدر فریدون و ثریته پدر گرشاسب و در ودا ویوسوت (= یونگهان)، یم (= جم) پسر ویوسوت، و ثریته آپتی په، پدر گرشاسب می‌باشد.

در یسنای ۹ داستان جمشید، ضحاک، فریدون و گرشاسب ذکر شده و در این میان داستان گرشاسب با تفصیل بیشتری یاد شده است.

در فرگرد دوم وندیداد داستان جمشید و ورجمکرد به تفصیل آمده و اطلاعات ارزشمندی از حیث روایات ملی در اوستا به دست می‌دهد.

در فرگرد ۲۰ وندیداد داستان ثریته پدر گرشاسب آمده است.

اما مهمترین قسمت اوستا از باب تدوین و حفظ روایات ملی و اساطیر مذهبی نسک معروف یشتهاست که اصل بسیاری از روایات ملی و حماسی ما در آن دیده می‌شود.

در آبان یشت که ویژه ستایش «اردویسور اناهید» فرشته آب است از ستاینندگان ناهید یعنی پادشاهان و پهلوانان و نامداران سخن رفته است و از این جهت یکی از مهمترین قسمت ها یی است که در آن داستان های ملی ایران یعنی اساس حماسه ملی ما تدوین شده است.

در گوش یشت (درواسپ یشت) باز فهرست پادشاهان و بزرگان و دلیران و برخی داستان های آنان آورده شده و در ارد یشت اسامی عده ای از پادشاهان از هوشنگ تا کی گشتاسپ تکرار می شود. یشت هایی که حاوی اصل روایات اساطیری و حماسی ایران است و در این رساله به تفصیل آمده عبارتند از: آبان یشت (یشت ۵)، تیر یشت (یشت ۸)، گوش یشت (یشت ۹)، فروردین یشت (یشت ۱۳)، بهرام یشت (یشت ۱۴)، رام یشت (یشت ۱۵)، ارد یشت (یشت ۱۷) و زامیاد یشت (یشت ۱۹).

تیر یشت بخشی از داستان آرش کمانگیر، بهترین تیرانداز آریایی را بازگو می کند.

در زامیاد یشت که مفصل ترین بخش اوستا از لحاظ مطالب حماسی است، درباره فر کیانی و تلاش اهریمن و ضحاک و افراسیاب که به آن دست نمی یابند، بحث هایی وجود دارد؛ و در آن نام پادشاهان سلسله کیان و سرگذشت مفصل گرشاسب و خاندان سام آمده است.^۵

اوستا و ترجمه های پهلوی آن به نام های زند و پازند در طول افزون بر هزار سال یعنی از زمان زندگی زردشت تا ظهور اسلام بنیان و شالوده حماسه های ملی ایران قرار می گیرد و نقل شفاهی روایات و داستان های حماسی پهلوانان و به تدریج حماسه های ملی را به شکل داستان هایی در کتب ادبی و مذهبی پهلوی و خدای نامه ها به یادگار می گذارد. سپس ترجمه آنها از زبان پهلوی به عربی و فارسی دری توسط شاعران با ذوق به نظم درآمد و ادبیات حماسه ملی را به وجود آورد.

بدین ترتیب در حالی که روایات دینی اساسا متعلق به قبل از دوره میانه است، روایات ملی به

دوره ساسانی تعلق دارد.

در نخستین قرن های اسلامی «خوتای نامگ» ساسانی یعنی نامه شاهان چند بار به زبان عربی ترجمه و تهذیب شد و این ترجمه ها که همه از میان رفته، به منزله منابعی برای مورخین عرب زبان و ایرانی بوده است که غالباً اطلاعات ماخوذ از افسانه های عامیانه را نیز که ترجمه عربی قسمت بزرگی از آن ها در دست بود، بر مطلب آنها افزودند. مولفین عرب زبان و ایرانی از پیش خود به دلخواه تاریخ قدیم ایران را با روایات ماخوذ از کتب عهد عتیق و تلمود و افسانه های عربی درآمیختند.^۶

خدای نامه را در ترجمه های عربی که مورد مطالعه این رساله است «تاریخ ملوک فرس» یا «سیر ملوک عجم» نامیده اند. در ادبیات فارسی دری این کتاب را شاهنامه گفته اند.

بنا به روایت بلعمی ترجمه ابن مقفع از خدای نامه اولین ترجمه و کامل ترین آن به شمار می رود و آن را برای مشخص کردن از سایر ترجمه ها «ترجمه بزرگ» می خواندند.^۷

و اما سراینده حماسه ملی ایران، فردوسی توسی، شاعر قرن چهارم در دیباجه شاهنامه در بخش «گفتار اندر فراهم آوردن شاهنامه» گزارشی کوتاه و روشنگر از روند کار خویش به دست می دهد. او حماسه ایران را «درخت برومند» و «سرو سایه فکن» می خواند و آرزوی خود را سرایش مجموعه یادمان های پهلوانی ایرانیان بیان می کند. شاعر آن گاه به روایت های پهلوانی دیرینه در کتاب خدای نامه و پراکندگی آنها در دست موبدان و بخردان و فرمان و کوشش «پهلوان دهقان نژاد» (ابومنصور عبدالرزاق) برای گردآوری آن اشاره می کند.

سپس از رواج داستان های فراهم آمده در دفتر «شاهنامه ابو منصور»^۸ و دل سپردن مردم به آنها و رویکرد دقیقی به سرایش آنها و ناکام ماندن کوشش وی به سبب مرگ زود رس او سخن می گوید و سرانجام فردوسی در پی این گزارش از پذیرفتن خویشکاری بزرگ و دشوار شاهنامه سرایی یاد می کند.

از آغاز مطالعات ایران شناسی در اروپا مستشرقان بسیاری در باب اسطوره و حماسه ایران و مسئله پیشدادیان به تحقیق پرداخته اند که اهم آنان عبارتند از: رتور کریستین سن، ژرژ دومزیل، تئودور نولدکه، دارمستر، هرتسفلد، مارکوارت، گوتشمید و مری بویس. در ایران نیز استاد ذبیح الله صفا در کتاب حماسه سرایی در ایران، مرحوم حسن پیرنیا در کتاب عصر اساطیری تاریخ ایران، استاد ابراهیم پورداود در کتاب پشت ها و همچنین استاد بهمن سرکاراتی در کتاب سایه های شکار شده و دکتر مهری باقری در مقاله اژدهای دربند به مناسبت هایی به این موضوع پرداخته اند.

مطالبی که در این رساله در باره ی آن بحث شده است عبارتند از:

۱- بازشناسی ماهیت اسطوره و حماسه و نقش راویان در تاریخ شفاهی ایرانیان

۲- گردآوری و گزارش اخبار مربوط به پیشدادیان از کتاب اوستا و رسالات پهلوی از

جمله دینکرد، بندهش، مینوی خرد و کتب تاریخی فارسی و تازی همچون شاهنامه فردوسی

و شاهنامه ثعالبی، شاهنامه بنداری، تاریخ طبری، مروج الذهب، البدء و التاریخ (آفرینش و

تاریخ)، سنی ملوک الارض و الانبیا و غررالسیر.

۳- نقل و نقد آرای محققانی که در این زمینه به پژوهش پرداخته اند.

۱-۲- اسطوره و حماسه و نقش راویان در تاریخ شفاهی ایرانیان

اسطوره کلمه‌ای معرب است که از واژه یونانی هیستوریا *historia* به معنی «جستجو، آگاهی و داستان» گرفته شده است. برای بیان مفهوم اسطوره در زبانهای اروپایی از بازمانده ی واژه یونانی میتوس *mytos* به معنی «شرح، خبر و قصه» استفاده شده است.^۹

اسطوره، تاریخ نخستین و معنوی یک جامعه است و از این نظر، با زبان آن جامعه کاملاً قابل مقایسه است. زبان و اسطوره، که هر دو کارکردی مشترک دارند و در انحصار متون ادبی‌اند، حقایق مربوط به گذشته‌های دور را برای ما بازگو می‌کنند.^{۱۰}

در واقع آنچه امروز فرهنگ می‌نامیم، در جهان باستان اسطوره و آیین بوده است. مجموعه‌ی اسطوره و آیین در جامعه‌ی ابتدایی عبارت است از فرهنگ آن جامعه، چون هیچ امر فکری و رفتاری نبود که از درون این مجموعه خارج باشد. تمام عمل زندگی و اندیشه‌ی انسان در این مجموعه‌ی اسطوره و آیینی جای می‌گرفت.^{۱۱}

اسطوره در کنار افسانه، حماسه و فولکلور، یکی از عناصر شکل دهنده‌ی فرهنگ و هویت قومی و ملی جوامع بوده است، بعضی از اسطوره شناسان آن را دین تمدن‌های اولیه و دوران پیش از گسترش ادیان توحیدی می‌دانند، آنها می‌گویند اساطیر بیان شفاهی تاریخ مقدس است و تاکید می‌کنند که آن را فقط به صورت یک پدیده‌ی مذهبی می‌توان درک کرد، نه ادبی، روانشناختی، اجتماعی یا اقتصادی. دسته‌ای دیگر از محققان بیشتر به جنبه‌های بیولوژیکی، روانشناختی، تاریخی و ادبی اسطوره، تاثیر الگوهای اساطیری در فلسفه، ادبیات، نمایش، موسیقی و حتی سینمای امروز توجه دارند، «میرچا الیاده»، دین شناس آمریکایی، از معروف‌ترین صاحب نظران گروه اول و «کارل یونگ»، روانشناس سویسی از پایه گذاران نظریه دوم است.^{۱۲}

دو ویژگی «زمان» و «مکان» ژرف ترین شکاف را بین «تاریخ» و «اسطوره» پی ریزی می کنند و اسطوره را در عین گونه ای تاریخ بودن، از آن جدا می سازند. زمان و مکان بنیاد تاریخ هستند، وقتی تاریخ از آنها بگسلد پایه های اسطوره را استوار می کند.

اسطوره ها در گذر زمان، در فرهنگ و تمدن بشری نمود و بازتاب دگری می یابند که مهمترین و زیباترین شکل آن حماسه^{۱۳} و داستان های حماسی است.

اسطوره گزارشی از انگاره های ذهن انسان باستانی درباره جهان و موجودات است، اما حماسه روایت ذهن همان انسان در دورانی متاخرتر با نیازها و ویژگی های دیگر که در عین حال، بعضی معتقدات و مایه های دیرین اساطیری و گاه نیمه مقدس خود را - و اغلب به صورت ناخودآگاه - در ضمن سرودها و داستانهای حماسی نگه داشته است.^{۱۴}

دلایل تبدیل اسطوره به حماسه بر پایه منابع ایرانی (به ویژه در شاهنامه) را نخست حرکت فکری بشر از عصر اسطوره زیستی - باوری، به دوران اسطوره پیرایی می توان برشمرد. دیگر اینکه حماسه بیشتر پرورده ی روزگار پهلوانان جان بر کف و دلاور مردانی است که مام وطن را پاس می دارند و قوم خود را بزرگ می شمارند.

اما چگونه است که اسطوره ایرانی که باور ایرانیان باستان است، پس از در نوردیدن هزاره ها، کم و بیش در حماسه ی ملی یافت می شود؟

چنانکه می دانیم آشنایی با موضوعات حماسی ایران قدیم به وسیله ی قسمتهای پراکنده ی کتاب اوستا و نوشته های نویسندگان یونانی صورت گرفته است.

از طریق تحقیقات گوتمید، مارکوارت و دیگران و مخصوصاً اثر کلاسیک نولدکه که تا امروز اهمیت خود را از دست نداده به نحوی مطمئن ثابت شده است که چندین بن مایه که در شاهنامه

فردوسی به آن بر می خوریم به روزگاران باستانی باز می گردد و حتی مولفین یونان قدیم نیز با آنها آشنایی داشته‌اند.^{۱۵}

چند قرن متوالی در عهد اشکانیان و تا حدود پانصد میلادی در عهد ساسانیان، اثری کتبی از موضوعات حماسی ایرانیان نیست و اینگونه است که حماسه‌ی غرورآمیز پهلوانان ایرانی که از دل اسطوره سر برآورده است، در مسیر بالندگی خود با عناصری از تاریخ آمیخته می‌گردد و به طور شفاهی سینه به سینه از نسلی به نسل دیگر منتقل می‌شود.

داستانهای شفاهی تا هنگامی که نگارش نیافته اند از سوی راویان بازگو می‌شوند و نقش آنان در پیدایش و دگرگونی بن مایه‌های اساطیری در حماسه غیر قابل انکار است.

در فرهنگ ایران معروف ترین و البته نه یگانه راویان داستانهای حماسی - اساطیری «گوسان» gōsān نامیده می‌شود. گوسان واژه‌ای است پارسی که به پهلوی خنیاگر huniyāgar می‌شود و آنان رامشگران حرفه‌ای زمان خود بودند.

شواهد بسیاری هست بر اینکه گوسان‌ها در زندگی پارتیان و همسایگان ایشان تا زمانهای اخیر فرمانروایی ساسانیان اثری شگرف داشتند. اینان سرگرم کنندگان شاهان و مردم عادی و ممتاز در دربار و محبوب میان مردم و حاضر در کنار مزارها و سورها و مداح و هجاگو و داستان پرداز و نوازنده و بازگو کننده کامیابی‌های گذشتگان و تعبیر کننده وقایع زمان خویش بوده‌اند، به راستی که دامنه پهناور کار آنان تعیین دقیق موقع و سرشت کار ایشان را دشوار می‌سازد.^{۱۶}

شواهدی موجود است دال بر اینکه پیش از اشکانیان هم نوازندگان دوره گرد در ایران وجود داشته‌اند و اینکه مردم دوران اوستایی آشکارا دارای ادب داستان سرایی سرگرم کننده بوده‌اند و می‌توان با استدلال فرض کرد که آنان داستانها را به شعر در می‌آوردند و بعضی از آنها با جزئیات و

شاخه‌های داستانی چنان است که نشان می‌دهد گسترش ادبیات مزبور کار نوازندگان حرفه‌ای بوده و شاید داستانهای سکایی رستم نیز این چنین با مطالب کیانیان پیوند خورده است.^{۱۷}

در تواریخ یونان از نوازنده مادی آنگارس Angares که آستیگ او را به میهمانی فرا خوانده بود نام برده شده است. آنگارس جسورانه در این میهمانی خطر کوروش پارسی را به آستیگ گوشزد می‌کند.

نکته قابل توجه این است که به زعم مری بویس این بیان گستاخانه متضمن یک اشاره‌ی سیاسی است که خواننده آواز از مصونیت برخوردار بوده است. ظاهراً در میان مادها هم مانند پارتیان، یک نوازنده چیره دست فردی برجسته به شمار می‌رود، شخصی که مصونیت داشته و حق ابراز نظر پیدا می‌کند.

اینکه در زمان هخامنشیان نوازندگی حرفه‌ای رایج بوده است از گفته‌ی گزنفون که از کوروش تا زمان او در «داستانها و سرودها» یاد شده است آشکار می‌گردد و گویا چنین می‌نماید که این داستانها ظاهراً روایاتی جاری بوده است که در پدیدار ساختن کارنامک اردشیر (کارنامه اردشیر بابکان) نیز موثر بوده است. محتملاً داستان زاریادرس و اوداتیس (یادگار زیران) مادی نیز از زبان نوازندگان دوره گرد هخامنشی به ما رسیده است.^{۱۸}

در دوران ساسانیان از شکوفایی این هنر در ایران خبر داریم و اینکه نوازندگان و خوانندگان درجه اول از زمره بالاترین طبقات درباریان به شمار می‌رفتند. از شواهد چنین بر می‌آید که آنان نیز مانند گوسان پارتی^{۱۹} وارث پاره‌ای روایتهای کهن بودند که آنها را به هنگام نیاز از بر می‌خواندند و بعضی سرودها رانیز که شرح وقایع دوران بود خود می‌سرودند و به همراه ساز می‌نواختند.

در شاهنامه فردوسی به آنها با نام رامشگر بر می‌خوریم و رد پای آنان را در سنت بدیهه‌گویی و چنگ نوازی دربار سامانیان در قرن دهم میلادی می‌توان باز جست.